

Investigating the requirements of justice in the Islamic state from the perspective of the leaders of the Islamic Republic of Iran

Seyed Hamed Hokmabadi¹, Danial Farbod²

¹ Master student of Economic Development, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad
Khorasan Razavi, Mashhad, Iran, hamedhokm0239@gmail.com.

² Master student of Economics Energy, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad
Khorasan Razavi, Mashhad, Iran, danial.farbod1375@gmail.com.

Corresponding author: Seyed Hamed Hokmabadi, hamedhokm0239@gmail.com
Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. The role of the state in Islam is to create conditions under which people can live according to the lofty goals of Islam. Social justice and the establishment of equities have been considered as the highest goal of the prophets' mission and are among the most important duties of the Islamic State. With the victory of the Islamic Revolution, the realization of justice in society was promoted and Iran achieved great progress in the field of social justice, eradication of illiteracy, poverty reduction and human development, but the expected justice in the Islamic Republic, which wants to be recognized as a follower of the Alawite government, is far superior. Therefore, the spread of justice has always been one of the main concerns of the leaders of the Islamic Revolution. The administration of justice is obligatory and given that without the requirements, the goals will be impossible to achieve. The fulfillment of the requirements of justice is also obligatory. What the present study seeks is an overview of the requirements for the formation of justice in the Islamic State from the perspective of the leaders of the Islamic Revolution. The results show that just structure and laws, righteous enforcers and people-centered are among the requirements for the realization of justice in the Islamic State from the perspective of the leaders of the revolution.

Keywords: Social Justice, Islamic State, Requirements of Justice, Islamic Revolution.

بررسی الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران

سید حامد حکم آبادی^۱، دانیال فربد^۲

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، توسعه اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، اقتصاد انرژی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

چکیده. نقش دولت در اسلام ایجاد شرایطی است که مردم در ذیل آن شرایط بتوانند طبق اهداف متعالی اسلام زندگی کنند. عدالت اجتماعی و برپایی قسط به عنوان بالاترین هدف رسالت انبیاء مطرح شده است و از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی است. با پیروزی انقلاب اسلامی تحقق عدالت در جامعه ارتقا یافت و ایران به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه عدالت اجتماعی، رفع بی‌سوادی، کاهش فقر و توسعه انسانی دست یافت اما عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این است، بنابراین گسترش عدالت همواره یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های رهبران انقلاب اسلامی بوده است. اجرای عدالت تکلیفی واجب است و با توجه به اینکه بدون الزامات، تحقق اهداف غیر ممکن خواهد بود. تحقق الزامات عدالت نیز واجب است. آنچه پژوهش حاضر به دنبال آن است مروری بر الزامات شکل‌گیری عدالت در دولت اسلامی از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ساختار و قوانین عادلانه، مجریان عادل و مردم محوری از جمله الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی از منظر امامین انقلاب می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، دولت اسلامی، الزامات عدالت، انقلاب اسلامی.

مقدمه:

تاریخ گواه این مدعاست که عدالت در تمام دوره‌ها آمال انسان‌های آزاده و ستم‌دیده جهان بوده است به گونه‌ای که مباحثی از عدالت در ادیان متعدد در سطح عالم وجود دارد. در دین اسلام نیز فلسفه بعثت انبیاء استقرار و گسترش عدالت دانسته شده است، و بالاترین هدف جهان و بشریت رسیدن به عدل و تحقق آن در جامعه معرفی شده است: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید: ۲۵).

حکومت‌ها بر اساس حقیقت و هویت خود اهدافی دارند که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. بر همین اساس اجرای عدالت را می‌توان بزرگترین هدف تشکیل حکومت اسلامی [که از حیث نظام اداره کشور معادل دولت اسلامی است] دانست. از طرفی تحقق عدالت یکی از مهمترین ارکان تشکیل حکومت و دولت اسلامی می‌باشد. به عبارتی می‌توان ادعا نمود که عدالت و دولت اسلامی لازم و ملزوم هم هستند.

در حکومت اسلامی یکی از مهم ترین شاخصه های رهبران ، رساندن جامعه به سمت عدالت است تا جامعه جهانی بر مبنای عدالت شکل بگیرد. و با توجه به اینکه تحقق عدالت نیاز به فراهم آوردن شرایط و زمینه های لازم دارد که تا این زمینه ها ایجاد نشود عدالت در جامعه و دولت اسلامی محقق نمی شود، شناخت دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران نسبت به الزامات تحقق عدالت حائز اهمیت است.

در پژوهش حاضر سعی شده است که دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه ای به عنوان رهبران جمهوری اسلامی ایران در خصوص الزامات و مقدمات استقرار عدالت در دولت اسلامی مورد توجه و بررسی قرار گیرد، تا با آگاهی از این الزامات، گامی در جهت ایجاد الزامات عدالت و در نهایت تحقق عدالت در جامعه و دولت اسلامی برداشته شود.

بر این اساس این پژوهش بر آنست که به سوالات زیر پاسخ بدهد:

۱. عدالت اجتماعی در نگاه رهبران جمهوری اسلامی به چه صورت تعریف می شود؟
۲. از منظر رهبران جمهوری اسلامی، مهمترین الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی چیست؟

لذا در این پژوهش به بررسی مفاهیم دولت اسلامی، عدالت و الزامات تحقق عدالت از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران می پردازیم:

الف) دولت اسلامی:

۱. ماهیت دولت:

در اصطلاح سیاسی، دیدگاه های مختلفی دربارهٔ دولت و مفهوم آن وجود دارد. برخی تفاوتی بین دولت و هیأت حاکمه قائل نیستند و مفهوم حکومت، یعنی «فرمان راندن» را به صورت هم معنا و مترادف با مفهوم دولت به کار می برند. اما به نظر بیشتر اندیشمندان سیاست، دولت، کیفیتی از خود ملت است؛ نیرویی که از اجتماع مردم واحد و متشکل در سرزمین معین و محدود، آزاد می شود. دولت، قدرت عمومی کاملی است که به حکومت شأن و حیثیت می بخشد. البته حکومت هم مجری و حامل اقتدار دولت است و این اقتدار مستمر، فراتر از حکام و اتباع است و به کشور و سازمان سیاسی آن، تداوم و همبستگی می بخشد. (وینسنت، ۱۳۷۱، ص ۵۸-۵۶)

دولت در این مفهوم عام، دارای چهار عنصر اساسی است: قلمرو، مردم، حاکمیت و حکومت. ممکن است تعداد جمعیت یا وسعت قلمرو تغییر یابد، اقتدار و حاکمیت سیاسی داخلی و خارجی دستخوش تحول شود یا شکل و نوع حکومت ها عوض شود، ولی دولت و نظام سیاسی - اجتماعی ثابت باشد(همان).

دولت با این کیفیت، زوال ناپذیر است؛ ولی مادامی که مردم محفوظ و نظام اجتماعی آنها تداوم و مشروعیت داشته باشد، برکناری حکومت ها موجب زوال دولت ها نمی شود. به بیان دیگر، هر تغییری در حکومت به معنای بروز بحران در دولت نیست؛ بودن یا نبودن دولت بستگی به بودن یا نبودن جامعه و مشروعیت نظام اجتماعی دارد و تا وقتی نظام اجتماعی، تداوم و مشروعیت دارد، دولت هم خواهد بود؛ زیرا هر نظام اجتماعی به هر شکلی که باشد، احتیاج به استقرار نظم، عدالت و امنیت خواهد داشت و هیچ جامعه ای از احتیاج به این سه رکن زندگی اجتماعی، فارغ نخواهد بود. (ارسنجان، ۱۳۴۲، ص ۶۸-۶۷)

دولت های کمونیستی بر اساس اندیشه الحادی و دولت های لیبرال دموکراسی غربی بر اساس اندیشه اومانیسم و دئیسم تشکیل شده اند و نوع سوم دولت های مبتنی بر اندیشه و فکر، دولت های فکری و عقلانی اسلامی هستند که بر اساس «دین اسلام» و مبانی آن در مورد وجود، زندگانی و جامعه شکل گرفته اند. (صدر، ۱۳۹۹ق، ص ۱۱)

۲. دولت اسلامی:

از دیدگاه قرآن کریم، منشأ دولت اسلامی با ارسال رسولان آسمانی و به وسیله آنان برای رفع اختلاف مردم و ایجاد عدالت و تعادل در جامعه بشری بوده است. هدف دولت اسلامی، همان هدف نهایی ادیان آسمانی؛ یعنی «توسعه معرفه الله» و «دستیابی به حیات طیبه» است و قرار است انسان با همه ابعاد مادی و معنوی اس ساخته شود. بدین منظور، می بایست دولتی عدالت محور بر مبنای دین تشکیل شود تا جمعیت انسانها همه جانبه نسبتاً کامل افزایش یابد و به تولید انبوه برسد. (جهانیان، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳ - ۲۸۸)

بنابراین، مهم ترین و اصیل ترین هدف تشکیل دولت و ارسال پیامبران، دعوت به سوی خدا و تحقق رشد معنوی انسانها است. (مقاله معیارهای دخالت دولت اسلامی...) خداوند در قرآن خطاب به پیامبر(ص) می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» ای پیامبر ما تو را به رسالت فرستادیم تا (بر نیک و بد خلق) گواه باشی و (خوبان را به رحمت الهی) مژده دهی و (بدان را از عذاب خدا) بترسانی و به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی. (احزاب: ۴۵ و ۴۶)؛ اما این هدف مهم، هنگامی به ثمر می رسد که نظم و امنیت در چارچوب قانون دین و عدالت جامع مورد نظر اسلام تحقق یابد. البته ایجاد امنیت، نظم آفرینی و پاسداری از حقوق مردم و جلوگیری از تعدی، شأن هر حکومتی است (جهانیان، ۱۳۸۹، ص ۷۹ - ۱۰۸)؛ همان طور که امام علی(ع) در پاسخ به شعار «لا حکم الا الله» از سوی خوارج، چنین پاسخ می دهد:

مردم، به زمامدار نیازمندند؛ خواه نیکوکار باشد یا بدکار، تا مومنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول شده و کافران هم بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری گردد و به کمک او با دشمنان مبارزه شود؛ نیکوکاران در رفاه و مردم از دست بدکاران در امان باشند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

اما نظم، امنیت و عدالت جامع در چارچوب قانون اسلام برای تأمین سعادت دنیا و آخرت مردم، همراه با خیرخواهی فراگیر برای مردم، ماهیت دولت اسلامی را از دیگر دولت ها متمایز می کند. ماهیت دولت اسلامی با دولت های دیگر، اعم از استبدادی، لیبرال و سوسیالیست - که هدفشان حداکثر کردن رفاه مسئولین و کارمندان عالی رتبه دولت یا حداکثر کردن رفاه مادی فرد یا جامعه است - تفاوت اساسی دارد (جهانیان، ۱۳۸۰، ص ۶۲).

هدف دولت اسلامی، پیگیری مصالح مردم و سامان بخشیدن به امور جامعه است و در یک جامعه اسلامی، این امور، اعم از دنیوی و اخروی است. به عبارت دیگر، هدف دولت، سعادت بشر است. برقراری حاکمیت خداوند و استوارسازی ارزشهای الهی و رشد کرامت های انسانی، محور نقش های دولت در تمام زمینه ها می باشد. در واقع از نظر اسلام، حکومت، ابزاری برای تحقق بخشیدن به اهداف مادی و معنوی و حاکمیت ارزشهای الهی و انسانی و وسیله ای برای مهیا کردن بستری مناسب جهت رشد و تعالی انسانها است (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳-۲۱۱). چنانکه امام علی(ع) می فرماید: «همانا، زمامدار، امین خدا در زمین و برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۶۰۴).

در مجموع می توان گفت: دولت اسلامی به مفهوم عام آن، ویژگی هایی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- اصل اساسی در دولت اسلامی مردم می باشند(خلافت عمومی).
- ۲- ماهیت حکومت اسلامی، خیرخواهی و عشق به مردم است: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ؛ پیغام خدایم را به شما می رسانم و من برای شما ناصح و خیرخواهی امینم» (اعراف: ۶۸).
- ۳- هدف نهایی دولت اسلامی، توسعه معرفه الله است. اهداف متوسط (میانی) این دولت عبارتند از: امنیت، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، ایجاد روح اعتماد به نفس و خودباوری، آزادی و مشارکت مردمی و استقلال و نفی هر نوع وابستگی به بیگانه.

معیار دخالت دولت در امور کشور، مصالح مردم، کشور و اسلام است. تشخیص نهایی مصالح، بعد از مشاوره با کارشناسان بر عهده ولی فقیه است (جهانیان، ۱۳۸۰، ص ۷۲).

ب) عدالت اجتماعی:

عدالت اجتماعی، همانند مفاهیمی چون دموکراسی، آزادی، حقوق مساوی و... ظاهری جالب و دوپهلو دارد. لذا همواره در سرنوشت برنامه های گروه های سیاسی مکاتب اجتماعی، احزاب و ... قرار داشته و همه زمامداران جهان و رهبران احزاب و گروه ها، اغلب تحقق آن را به ملت های خود و مردم استعمار شده و زجرکشیده نوید می دهند! اما عدالت اجتماعی از نظر اسلام مسئله ای بنیادین است که تشریح و تبیین اساس و اصول نظری و عملی آن لازم است تا به واقع بینانه بودن نگاه اسلام در این باب رهنمون شویم. امام راحل به عنوان یکی از اندیشمندان اسلامی از حیث نظر و عمل، توجه شایانی به این مسئله داشتند و خواستار تحقق عدالت در نفس خود و قائل به پی ریزی نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت بودند. (اخترشهر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵-۱۹۲)

۱. معنی عدالت:

زبان عربی به خاطر غنای گسترده، برای برخی واژه ها بیش از ده مترادف دارد و واژه عدالت نیز واجد چنین مترادفهایی است. بنابراین برای هر جنبه ای از عدالت معانی متعددی وجود دارد که شاید مهمترین آنها قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، حصه، میزان، انصاف و غیره باشد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۲۷)

دشتی حسینی در معارف و معاریف می نویسد: «عدالت بکسر یا فتح در لغت، استقامت باشد». (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳)

راغب اصفهانی در مفردات می نویسد:

«الْعَدَالَةُ وَ الْمُعَادَلَةُ: لَفْظٌ يَقْتَضِي مَعْنَى الْمَسَاوَاةِ، وَ يَسْتَعْمَلُ بِاعْتِبَارِ الْمَضَافَةِ الْعَدَالَةُ وَ الْمُعَادَلَةُ؛ عَدَالَتٌ لَفْظِيٌّ اسْتَدْرَاجٌ وَ حَكْمٌ وَ مَعْنَى، مَسَاوَاتٌ اسْتَدْرَاجٌ وَ بِهٖ اِعْتِبَارٌ نَزْدِيكٌ بُوْدُنِ مَعْنَى عَدْلٍ بَهٗ مَسَاوَاتٍ، دَرِ اَنْ مَوْرِدٌ هَمَّ بَكَارٌ مِی رُوْدُ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۱).

عدالت مفهومی فراگیر است که تحلیل ها و تبیین های متفاوتی از آن ارائه شده است و اختلاف نظرها در این باره به خاستگاه فلسفی آن بر می گردد. اما واقعیت آن است که عدالت، دارای مفهومی مطلق و ارزش جوهری واحد است که آن، مفهوم «حق» باشد. آنچنان که «راز» می گوید، ممکن نیست عدالتی بدون حقیقت وجود داشته باشد. (روزنتال، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳)

۲. عدل در قرآن و روایات:

عدل و قسط در قرآن کریم جایگاهی بس والا را به خود اختصاص داده است. در این کتاب آسمانی عدالت به مثابه اصلی اساسی و بنیادی تلقی می گردد که خلقت هستی بر پایه آن صورت گرفته است و تدابیر امور عالم بر اساس آن تحقق می یابد و کتب آسمانی و بیان شرع بر مبنای آن و در جهت تحقق آن است (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴). از منظر قرآن کریم هستی به حق و بر مبنای عدالت آفریده شده است: «وَوَلَّيْنَاكَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَتَجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»؛ و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود؛ و به آنها ستمی نخواهد شد. (جاثیه/۲۲). از این رو سخن پروردگار بر عدل استوار است و تغییری در آن نیست: «وَوَدَّعَدْتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و هیچ کس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد و او خدای شنوا و داناست» (انعام/۱۱۵).

مهمترین هدف از ارسال پیامبران در قرآن عدل معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند». (حدید: ۲۵). و همچنین به داود نبی(ع) می فرماید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ؛ ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هوس پیروی مکن». (ص: ۲۶).

در نگاه قرآن و اندیشه قرآنی عدالت صرفاً مفهومی انتزاعی نیست بلکه مفهومی حقیقی است که ریشه در وجود و فطرت انسانی دارد. بنابراین، امری است واقعی و نه اعتباری. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵)

از میان معانی و مفاهیم کلی عدل، در آیات قرآن چهار معنا بیشتر مدنظر است که عبارتند از:

- ۱- عدل به مثابه رفتار، فعل با کنش فردی و اجتماعی که بدان امر می شود.
 - ۲- عدل به مثابه مبنا و اساس امور دیگر.
 - ۳- عدل به مثابه ملکه، خصلت و صفت افراد و گروهها.
 - ۴- عدل وجودی یا عدل به معنای وجود شناسی و فلسفی که بنیان و اساس خلقت و آفرینش وجود و انسان را تشکیل می دهد.
- از میان این معانی استنباط می شود که عدل از دیدگاه قرآن نه تنها معنای وجود شناسی و فلسفی دارد، بلکه فعل یا کنش یا رفتاری است که قابلیت تحقق در فرد و جامعه، را نیز داراست. بر همین اساس، می تواند خصلت و ملکه فرد یا جامعه نیز باشد و مهمتر اینکه، مبنا و اساس امور فردی و اجتماعی چون؛ اصلاح، حکومت، داوری و شهادت است (جمشیدی، همان، ص ۱۱۲).

جدا از دیدگاه اندیشمندان دینی در خصوص معانی عدل و قسط و روابط بین این دو واژه، قرآن کریم خود به بیان مصادیق متعددی از تحقق عدل و قسط یا نحوه اجرای آن در جوامع بشری پرداخته است. این مصادیق در ابعاد گوناگون زندگانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و معنوی مطرح شده است و بیانگر اهمیت، ضرورت و جایگاه قسط و عدل در جامعه مقسط و عادل در نگرش قرآن است (ایران نژاد، جمشیدی، فرشباغیان، ۱۳۹۱)

در میان احادیث و روایات از ائمه اطهار به کرات به مسئله عدالت و تحقق آن در جامعه اشاره کرده اند، چنانکه پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرمایند: «اگر از دنیا بجز یک روز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چندان طولانی می کند تا در آن روز مردی از اهل بیت من مبعوث شود. او هم نام من است و زمین را پس از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از قسط عدل می کند.» (اربلی، ب.ت، ص ۴۷۶). حضرت علی (ع) نیز در اثر ارزشمند نهج البلاغه، اجرای عدالت و برقراری قسط و ایجاد مساوات در جامعه را مورد توجه جدی قرار می دهد و اجرای عدالت را عامل ایجاد وحدت و هماهنگی، الفت و محبت بین حاکم و مردم، صلح و سعادت، ثبات و دوام حکومت و جامعه، پیشرفت و آبادی کشور می داند. ایشان در اهمیت عدالت می فرمایند: «در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را بر نتابد ستم را سخت تر می یابد.» (مرزوقی و مروتی، ۱۳۹۰)

ج) دولت اسلامی از منظر رهبران جمهوری اسلامی

آموزه های وحیانی، کانون اندیشه رهبران جمهوری اسلامی ایران است و اصل توحید، محور عقاید رهبران جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد و بر همین اساس می توان گفت، اندیشه سیاسی آنها نیز یک اندیشه بر پایه توحید است. لذا کلیه شئون زندگی سیاسی و الگوی مطلوب حکمرانی را باید بر پایه این اصل بررسی کرد.

یکی از مباحث اساسی و بسیار مهم در اندیشه امام خمینی (ره) اعتقاد ایشان به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا اجرای احکام دینی که ضامن سعادت انسان است، بدون ایجاد حکومت تحقق نمی پذیرد. لذا از نظر امام خمینی (ره) هدف کلی حکومت، ایجاد شرایط مساعد برای تعالی و سعادت انسان هاست؛ شرایطی که افراد مؤمن تربیت شوند، آن هم به وسیله مربیانی که احکام الهی محتوای دروس تربیتی آن هاست و غایت این تعالیم تربیتی رسیدن به کمال و سعادت اخروی است. بنابراین سیاست مطلوب و موردنظر امام در چارچوب حکومتی با ویژگی هایی است که عبارتند از: سعادت محور بودن، توجه به هر دو بعد و ساحت انسان (مادی و معنوی)، ایجاد جامعه ای مناسب برای رشد و تکامل انسان با توجه به هر دو بعد انسان، رعایت مصالح دنیا و آخرت عموم انسان ها، پرهیز از سلطه گری ناروا و ابتناء بر قسط و عدل، نفی هر گونه ظلم و ستم، استبداد، استثمار، استبداد و در نهایت اجرای حدود الهی در جامعه. (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵)

از نظر امام خمینی شکل حکومت اسلامی نخست با الهام گیری از سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع)، و دیگر متناسب با شرایط و مقتضیات کنونی و سوم با مراجعه به آرای ملت و با اتکا به آن، تعیین خواهد شد. بر همین مبنا ایشان حکومت جمهوری اسلامی و ی

نظام مردم سالاری دینی را پیشنهاد می دهد. (همان، ص ۱۲۷) در این خصوص می فرمایند: «حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از زاویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳، ص ۳۳۴) و یا می فرمایند: «حکومت اسلامی، حکومت ملی است؛ حکومت مستند به قانون الهی و به آرای ملت است. این طور نیست که با قلدری آمده باشد که بخواد خودش را حفظ کند». (همان، ج ۵، ص ۲۱۳)

یکی از سؤالاتی که به کرات از اما در دوران اقامتشان در پاریس، پرسیده می شد این بود که هدف و غایت حکومت اسلامی (انقلاب اسلامی) چیست؟ هدف ایجاد انقلاب اسلامی تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ برپایی «حکومت اسلامی» و یا در تعبیری دیگر از امام، «حکومت عادلانه اسلامی» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۳) بود.

هدف غایی اسلام از منظر امام خمینی (ره) برقراری عدالت و تشکیل حکومت در جهت برقراری عدالت است: «اسلام حکومت است با تمام شئون آن، احکام شرعی قوانین اسلام است و قوانین شأنی از شئون حکومت است؛ همه احکام برای اجرای حکومت و بسط عدالت مطلوب بالعرض و امور عالی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۲)

در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می شود: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). به عبارتی وجه معرفی کننده دولت اسلامی از سایر دولت ها، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی آنرا دنبال می کند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام های بین المللی و نظام سطله امروز جهانی را به معیارها ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است» (بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). رهبری در جای دیگر دولت اسلامی را با همین نگاه تعریف می نمایند: «بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می رسد؛ یا به تعبیر روشن تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه ی اسلامی» (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

از منظر رهبر معظم انقلاب شاخص های دولت اسلامی مسئله ی خدمت به خلق، شاخص اعتقادی و اخلاقی، مسئله ی عدالت، سلامت اقتصادی و مبارزه ی با فساد، مسئله ی قانون گرایی، مسئله ی حکمت و خردگرایی در کارها و تکیه به ظرفیت درون زای کشور است. (بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

در جای دیگر رهبری معیار قرار دادن حکومت علوی را توصیه می کند و می فرماید: «آنچه ما به عنوان دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی به طور دائم در نظر داشته باشیم این است که باید حکومت علوی را معیار خودمان قرار بدهیم، خودمان را با حکومت علوی بسنجیم؛ هر مقداری که بین ما و آن حکومت فاصله است، آن را عقب ماندگی به حساب بیاوریم. اگر چنانچه کارهای خوب انجام می دهیم، از لحاظ معنوی پیشرفت میکنیم یا کارهایی که مایه ی افتخار به حسب ارزشهای اسلامی است انجام می دهیم، مبالغه نکنیم در اهمیت آن؛ مقایسه کنیم با حکومت علوی و ببینیم چقدر فاصله است بین ما و او. شاخص عمده در حکومت علوی، یکی عدالت است، یکی پارسایی و پاک دامنی است، یکی مردمی بودن و با مردم بودن است؛ حکومت علوی اینها است دیگر؛ زندگی امیرالمؤمنین مظهر عدل است، مظهر زهد است، مظهر مردمی بودن و پاک زیستن است. باید اینها را معیار قرار بدهیم، واقعاً باید در این جهت حرکت کنیم.» (بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت، ۱۳۹۷/۰۶/۰۷)

در نگاه حضرت آیت الله خامنه ای کنترل، نظارت و مراقبت حق دولت اسلامی است و یکی از اهرمهای استقرار عدالت در جامعه ی اسلامی را دولت اسلامی و به تعبیری دستگاه اجرائی اسلامی می داند. (بیانات رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱)

د) عدالت از منظر رهبران جمهوری اسلامی

اندیشه عدالت به عنوان یکی از دغدغه های جامعه انسانی همواره در کلام و عمل رهبران نظام اسلامی متجلی بوده است به طوری که این نگرش را می توان در سیاست های کلان ابلاغی آنها مشاهده کرد.

در نگاه امام خمینی (ره) مهم ترین و برجسته ترین مورد نظر امام خمینی (ره) از عدالت، حد وسط یا اعتدال، طریقه و راه مستقیم و استقامت بر آن، ملکه ای نفسانی، خصلتی اجتماعی و صفت حق تعالی و گرایشی فطری در انسان است. در بین این مفاهیم آنچه بیانگر

چیستی عدالت در نگرش امام خمینی(ره) است همان حد وسط و متعادل امور است که می تواند صراط مستقیم نیز تلقی گردد. همان گونه که استقامت بر صراط مستقیم نیز در نگرش امام خمینی(ره) جز رعایت حد وسط و مسیر اعتدالی نیست. عدالت به این معنا نه تنها ملکه ای نفسانی و معنوی برای فرد انسانی است که می تواند خصلت جامعه باشد. پس فرد عادل فردی است که در طریق مستقیم و بر اساس اعتدال و تشخیص و اتخاذ حد وسط امور حرکت می کند و برای آن حرکت معتدل در خط مستقیم استقامت دارد به گونه ای که دچار انحراف نمی گردد. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۱)

توصیف دیگر امام خمینی(ره) از عدالت، بحث اجتماعی بودن آن است که در این معنا عدالت ویژگی قوانین اجتماعی، نهادهای اجتماعی و سیاسی است: «...عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومتها با ملتها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملتها و امثال اینها که در صدر اسلام یا قبل از اسلام از آن وقتی که انبیا مبعوث شدند، وجود داشته و قابل تغییر نیست. عدالت معنایی نیست که تغییر بکند؛ یک وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱) همچنین ایشان عدالت اجتماعی را به تأمین حقوق مردم تعبیر می کند و آن را وظیفه اصلی دولت می داند و در وصیت نامه خود تحقق عدالت اجتماعی را مهم ترین معیار تشخیص حکومت سالم از غیر سالم معرفی کرده و می نویسند: «حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم الشأن اسلام- صلی الله علیه و آله- و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۷)

در دیدگاه آیت الله خامنه ای نیز همانند امام خمینی عدالت به حد وسط تعبیر شده است و ایشان در این زمینه معتقد است که: «پیدا کردن حد وسط با توجه به پیچیدگی های مسائل اقتصادی و اجتماعی امروز کار ظریفی است. هنر شما به عنوان وزیر و مدیر این است که بتوانید با ظرافت این کار را انجام دهید، که هم آنچه را که «اعم للعدل» و «اشمل للرضا العامة» و «اوسط الی الحق» است، تأمین شود.» (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷).

در نگرش رهبر معظم انقلاب عدالت در مقایسه ی با دیگر امور خیر اجتماعی در جایگاهی بالاتر از همه قرار دارد و در مورد این جایگاه چنین می گویند: «هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می کند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب ترین کارها است. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می خواهیم.» (بیانات رهبری در جمع فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵). ایشان در جای دیگر می گویند: «هدف ما استقرار عدل در جامعه است. ما این را می خواهیم. همه ی کارها برای اقامه عدل ارزش پیدا می کند. در جامعه ی نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است.» (بیانات رهبری به مناسبت روز ولادت امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

ه) الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران

عنصر عدالت در جامعه اسلامی از چنان جایگاهی برخوردار است که شعار عدالت بیشتر برای منصب بالاتر را در انتخاب کارگزاران - از رده رهبری نظام گرفته تا سطوح میانی و پایینی - سرلوحه خود قرار داده است. (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶)

عدالت باید در نفس حکومت باشد و ظلم در آن راهی نداشته باشد. درباره اهمیت این مسئله روایتی منسوب به پیامبر اکرم است که می فرماید: «الْمَلِكُ يَبْقَى بِالْعَدْلِ مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى الْجَوْرُ مَعَ الْإِيمَانِ» یعنی حکومت با عدل باقی می ماند حتی اگر کفر هم در آن وجود داشته باشد ولی با ظلم و ستم باقی نمی ماند اگر چه ایمان هم در آن باشد. (شعیری، ب.ت، ص ۱۱۹)

در همین راستا می توان گفت؛ یکی از مهمترین ملاک های حکومت انبیا و تداوم حکومت ها عدالت است و حکومتها به هر اندازه که به عدالت نزدیکتر شوند به معیارهای حکومت انبیا هم نزدیکتر شده، و هر چه از عدالت دورتر شوند از ایمان و ویژگیهای حکومت انبیا دورتر خواهند شد.

اما با توجه به اهمیت وجود عدالت در حکومت و دولت اسلامی باید به این نکته توجه داشته باشیم که برای ایجاد آن در جامعه و دولت اسلامی نیاز به مقدمات و الزاماتی داریم. به عبارتی تحقق هر یک از ارزشهای اجتماعی در جامعه نیازمند الزاماتی است که عدالت نیز از این

رویه مستثنی نیست. در این باره رهبر معظم انقلاب اسلامی این چنین می فرمایند: «عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمی شود؛ عدالت، با تعارف درست نمی شود؛ اولاً قاطعیت می خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می خواهد، ثالثاً ساده زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می خواهد؛ این هم جزو پیش شرطها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم، تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه ی من و شما اینهاست. واقعاً باید با ویژه خواران و فساد مبارزه کنیم.» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹)

لذا اجرای عدالت در دولت اسلامی یک وظیفه است و با توجه به اینکه بدون الزامات، تحقق اهداف غیر ممکن خواهد بود. تحقق الزامات عدالت نیز واجب و مهم است. از این حیث، دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران را نسبت به الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی بررسی می کنیم.

۱. الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

۱-۱. ابتدای دین، قانون و جامعه بر عدالت

از نگاه امام خمینی (ره) عدالت منشأ دین و قانون است. بدین معنا که عدالت به مثابه اصلی در نظر گرفته می شود که دین و قانون بر اساس آن ایجاد می گردد و به همین جهت است که صفت عادلانه به دین و قانون اطلاق می گردد. از دیدگاه ایشان عدالت مهمترین علت تشریع احکام و قوانین است و می فرمایند: «اسلامی که اساسش بر عدل است و بزرگتر مقامش با کوچکتر مقامش در مقابل عدل علی السواء هستند.» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۱۰۹)

از دید امام خمینی (ره) در اسلام، قانون جایگاه ویژه ای دارد لذا همه، از شخص رسول الله (ص) گرفته تا سایرین در برابر آن باید خاضع و تسلیم باشند. و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند. ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه خدا بکنیم. (همان، ج ۱۴، ص ۲۶۸) زیرا قانون، مظهر عدل و در واقع شاید بتوان گفت عدالت مدون است و با تحقق آن می توان به جامعه ای مطلوب و عادلانه رسید. قانون اسلام در تمدن جهان پیشقدم همه قانونهاست. با عملی شدن آن مدینه فاضله تشکیل می شود. (امام خمینی، بی تا، ص ۲۲۲) http://m.kamyab/Desktop/Ù_ØµÙ_Ù_Ù_Ø§Ø±Ù_Ù_Ù_Ø¶Ù_Ø¹Ù_Ù_Ù_Ø§Ù_Ø²Ø§Ù_Ø§ØªÙ_Ø¹Ø¯Ù_Ø§Ù.docx - fn31

۱-۲. تربیت و تهذیب انسان

از الزامات عدالت تهذیب انسانها و تبدیل شدن انسان به انسان عادل و جامعه به جامعه عادل است. به این علت که با عادل شدن انسانها جامعه نیز عادل می شود. امام خمینی (ره) تربیت انسان را اقامه عدل و لذا از الزامات اساسی عدل می داند و در این می فرمایند: «اقامه عدل، همین درست کردن انسانهاست. عدل یک چیزی نیست الا آنکه از انسان صادر می شود. اقامه عدل متحول کردن ظالم به عادل است. متحول کردن مشرک به مؤمن است.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۵)

۱-۳. حکومت

تحقق عدالت و اقامه عدل و قسط نیاز به سازمان و تشکیلاتی دارد که به صورت همه جانبه بتواند عدالت را در جامعه محقق سازد. تحقق این امر مستلزم سه امر مهم است. الف) تدوین قانون بر اساس عدالت یا به معنایی تبدیل عدالت نامکتوب به عدالت مکتوب و مدون، ب) اجرای قوانین بر اساس عدل ج) نظارت عادلانه بر اجرای قوانین. (اخترشهر، ۱۳۹۴)

بر این اساس هر چند حکومت در تحقق عدالت و معنویت نقش ابزاری دارد ولی این نقش بسیار با اهمیت است چون ابزاری است که بدون آن عدالت در اجتماع بشری تحقق نمی یابد. امام خمینی در اهمیت نهاد حکومت در اسلام می نویسد: نهاد حکومت آنقدر اهمیت دارد که نه تنها در اسلام حکومت وجود دارد بلکه اسلام چیزی جز حکومت نیست و احکام شرعی قوانینی است که یکی از شئون حکومت است. (امام خمینی، بی تا، ج ۵، ص ۴۷۲؛ ر.ک. ج ۲، ص ۴۳۷)

از دید ایشان تحقق عدالت نه تنها وظیفه حکومت و بزرگترین مقصد اسلام که بنیان و اساس حکومت مطلوب و شایسته است. مطلوبیت و شایستگی حکومت با دارا بودن خصلت عدالت شناخته می شود. این است که آن بزرگوار این مهم را بارها مورد تأیید قرار داده است. ما که می

گوییم حکومت اسلامی، می گوییم حکومت عدالت، ما می گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند. بیت المال مسلمین را بر ندارد. ما این مطلب را می گوییم این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری که گفته شود برای هر کسی که گفته بشود از ما می پذیرد. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۰۹؛ آذینی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۲)

۲. الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای

از نظر رهبر انقلاب، عدالت اجتماعی بر سه رکن اساسی استوار است که طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاستگذاران در پی ریزی بنیانها و سازمانهای اجتماعی باید همواره آنها را مد نظر قرار دهند:

۲-۱. قوانین عادلانه

اولین رکن در دیدگاه مقام معظم رهبری، قوانین عادلانه است که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار می دهد. و اگر قوانین الهی اجرا بشود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد. (بیانات رهبری در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۰۱/۷) لذا همگان برای تحقق عدالت باید تلاش کنند تا کمبود های قوانین موجود برطرف شود و نهایتاً قوانین مبتنی بر عدل و جامع تدوین شود تا معیاری برای عمل قرار گیرد.

۲-۲. مجریان عادل و باتقوی

در نگاه آیت الله خامنه ای رکن دوم، نیروی اجرا کننده این قوانین است، اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجرا کننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته ای نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند، همچنان که قرن هایی گذشت و قوانین اسلام در جامعه هایی که مسلمان ها در آن زندگی می کردند اجرا نشد، به همین جهت است که از نظر اسلام مجری قوانین یعنی آن مقامی که در رأس قوه اجرایی قرار می گیرد باید انسانی عادل باشد، با تقوا و مراقبت کامل و بر قوانین و اجرای آن نظارت کند. (بیانات رهبری در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۰۱/۷) در واقع این مجریان پاک و شایسته هستند که سبب گسترش عدالت در جامعه می شوند. لذا نیاز به دستگاهی برای مبارزه با فساد مسئولین و مجریان احساس می شود، که رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کردند: «و سوسه ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه ی زهد انقلابی و ساده زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه های حکومتی.» (بیانیه رهبری در گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲-۳. نظارت و آگاهی مردم

اما نکته بسیار مهم، در مورد رکن سوم، اجرای عدالت است و آن «مردم» اند. اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا بشود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند. حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می کند. اسلام نمی گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیرمؤمنان علیه السلام با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابی طالب قرار داشت که عدل مجسم بود در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین علیه السلام به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت. (بیانات رهبری در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۰۱/۷)

این نکته نشان دهنده نقش بی بدیل مردم در نظام اسلامی است. از این رو عامل مردم بسیار مهم است به صورتی که حتی با وجود امام معصوم در راس حکومت و عدم اراده و خواست مردم هیچ چیزی محقق نمی شود و اگر هم محقق شود، دوام نخواهد داشت. لذا خواست و رای مردم مهمترین رکن ارزش های اسلامی - انسانی از جمله عدالت است.

جمع بندی

امام خمینی و آیت الله خامنه ای به عنوان رهبران جمهوری اسلامی دارای یک خط فکر سازمان یافته و منسجم هستند و اصل توحید، محور جهان بینی آنان را تشکیل می دهد.

از منظر رهبران جمهوری اسلامی عدالت به معنای حد وسط در تمام امور می باشد، و از طرفی ایشان عدالت اجتماعی را مهم شمرده شده اند و هدف بعثت انبیاء را برقراری عدالت اجتماعی و تشکیل حکومت در جهت برقراری عدالت می دانند. لذا در اندیشه و نگرش رهبران جمهوری اسلامی عدالت یکی از مهمترین شاخصه های حکومت اسلامی است و تحقق آن در حکومت اسلامی لازم است. از این رو ایجاد عدالت در دولت اسلامی نیازمند الزاماتی است.

از منظر امام خمینی مهمترین الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی عبارتست از: ابتدای دین، قانون و جامعه بر عدالت - تربیت و تهذیب انسان - ایجاد حکومت و تشکیلات

و همچنین از دیدگاه آیت الله خامنه ای مهمترین الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی عبارتست از: قوانین عادلانه - مجریان عادل و باتقوی - نظارت و آگاهی مردم

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آژینی، محسن (۱۳۷۴)، اندیشه های اقتصادی امام خمینی، جمع آوری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ص ۲۳۲.
۴. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳ش)، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، تصحیح میرجلال الدین محدث ارموی، تهران: دانش گاه تهران، چ ۴.
۵. اخترشهر، علی (۱۳۹۴)، الزامات عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۲، پاییز ۹۴، ص ۱۷۵ - ۱۹۲
۶. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۰)، عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
۷. اربلی، علی بن عیسی (بی تا)، کشف الغمّة فی معرفه الاثمة.
۸. ارسنجانی، حسن (۱۳۴۲)، حاکمیت دولت ها، تهران: سازمان کتاب های جیبی.
۹. ایران نژاد، ا؛ جمشیدی، م. و فرشافیان، ا. (۱۳۹۱)، عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، زمستان ۱۳۹۱، شماره اول، ص ۱۱۵ - ۱۳۴.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری، تماما به نقل از سایت: <https://www.khamenei.ir>
۱۱. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت (از دیدگاه فارابی - امام خمینی - شهید صدر)، تهران: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۲. جهانپیان، ناصر (۱۳۸۲)، اهداف توسعه با نگرش سیستمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۳. _____ (۱۳۸۹)، معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد، حکومت اسلامی، زمستان ۸۹، شماره چهارم، ص ۷۹ - ۱۰۸.
۱۴. _____ (۱۳۸۰)، نقش دولت در توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، پاییز ۸۰، شماره سوم، ص ۷۴ - ۵۵.
۱۵. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵)، معارف و معاریف، تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
۱۶. خمینی، امام سید روح الله (۱۳۷۴)، البیع، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. _____ (۱۳۷۶)، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. _____ (۱۳۷۷)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. _____ (۱۳۷۸، ۱۳۸۳)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۰. _____ (بی تا)، کشف اسرار، قم، انتشارات آزادی.
۲۱. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، بی نا.
۲۲. رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، مهندسی تمدن اسلامی، قم: کتاب فردا.
۲۳. روزنتال، فرانس (۱۳۷۹)، مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان، ترجمه منصور میراحمدی، قم: بوستان کتاب.
۲۴. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الاخبار، نجف: مطبعة حیدریه.
۲۵. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۹ق)، صورة عن اقتصاد المجتمع الاسلامی، قم: مطبعة الخيام.
۲۶. ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸)، حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
۲۷. مرزوقی و مروتی، (۱۳۹۰)، جایگاه عدالت در دولت کرامت محور مهدوی از منظر مقام معظم رهبری (رویکردی به دولت زمینه ساز)، ماهنامه معرفت، بهار ۹۰، شماره ۱۶۲، ص ۹۵ - ۱۰۵.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، قم: انتشارات صدرا.
۲۹. وینسنت، آندرو (۱۳۷۱)، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.